

سوره «شوری» (۴۲)

سوره «شوری» آخرین سوره مکی است که در سیزدهمین سال بعثت در آستانه هجرت به مدینه نازل شده است^۱ و از آنجائی که در سرفصل دوره‌ای نوین قرار دارد، مبین مسائل و موضوعات آینده و متضمن راهنمایی‌های لازم برای ابتلائات آتیه مسلمانان در مدینه می‌باشد.

نامی که (با اتخاذ از آیه ۳۸) برای این سوره معین شده، بیانگر نظامی است که می‌بایست در مدینه حاکم شود و مفاهیم و موضوعاتی که بطور اساسی و زیربنائی در سوره مطرح گشته، دقیقاً همانهایی است که مجتمع آینده مسلمانان در شهر نمونه پیامبر (مدینه النبوی) به آن نیاز دارد. باید توجه داشته باشیم که در مکه مسلمانان از خود حاکمیت و ولایتی نداشتند و تحت سلطه ظالمانه کافران زندگی می‌کردند ولی اکنون که قرار است با هجرت به مدینه شالوده نویسی را پی‌ریزی نمایند باید حکومت و نظام نمونه‌ای برای مشاهده جهانیان برپا سازند.

ذیلاً مهمترین موضوعاتی را که در رابطه با همین تحول زیربنائی در سوره شوری مطرح گشته ذکر می‌نمائیم:

تشریح قانون (نزول قرآن از طریق وحی)

مهمترین لازمه جامعه‌ای که مسلمانان باید پس از هجرت بنا نمایند، قانونی خدائی است که بصورت کتابی خواندنی (قرآن) از طریق وحی وضع می‌گردد و مسلمانان وظیفه

۱. مطابق محاسبات جدول شماره ۱۵ کتاب «سیر تحول قرآن»

دارند براساس موازین آن زندگی فردی و اجتماعی خود را تنظیم نمایند. اهمیت این مسئله وقتی آشکار می گردد که توجه داشته باشیم آغاز و انتهای سوره که فهرست و نتیجه آن محسوب می گردد با همین موضوع افتتاح و اختتام یافته است. در آغاز: کذلک یوحى الیک و الی الذین من قبلک الله العزیز الحکیم در خاتمه (آیه ۵۲): و کذلک او حینا الیک روحاً من امرنا ما کنت تدری ما الکتاب ولا الایمان...

و علاوه بر آن در متن سوره و در مقاطع مختلف آن مرتباً بر مسئله «وحی» اشاره شده است.^۱

آیه (۷): و کذلک او حینا الیک قرآناً عربیاً لتنذر...

آیه (۱۳): شرع لکم من الدین ما وصی به نوحاً و الذی او حینا الیک و...

آیه (۵۱): و ما کان لبشر ان یکلمه الله الا وحیاً او من وراء حجاب او یرسل رسولاً

فیوحی باذن ما یشاء انه علی حکیم

حقیقتی که بصورت «وحی»^۲ بر قلب رسول اکرم (ص) برای ابلاغ به مردم نازل گشته آنچنان که در آیه ۱۷ (الله الذی انزل الکتاب بالحق و المیزان...) تصریح شده دارای دو جلوه است: ۱- کتاب، ۲- میزان.

معنای کتاب، اصول و ضوابط و قوانین نوشته شده ای است که واجب است به آن عمل شود^۳ و معنای میزان ترازوی عدالتی است که در اختلافات باید حاکم باشد.

در جلوه نخست، علاوه بر کلمه «کتاب»^۴ به کلمه «شرع» (راه رسیدن به دین)^۵ برمی خوریم که معنای شریعت و قانون دارد و دوبار در سوره تکرار شده است^۶ و در جلوه دوم، که بعد «میزان» بودن وحی منزل مطرح می شود نقش حکم بودن را در اختلافاتی که در مدینه یعنی دوران رهائی و برخورداری بروز خواهد کرد مطرح می سازد.

۱. جمعاً ۶ بار کلمه «وحی» در سوره شوری بکار رفته که پس از سوره انعام (۸ بار) بیش از سایر سوره ها می باشد (مساوی سوره طه)

۲. در این سوره ۳ بار فعل او حینا بکار رفته است که بیش از سایر سوره ها می باشد (مساوی نساء) و در مجموع ۵ بار مشتقات این کلمه بکار رفته که بعد از سوره انعام (۸ بار) در ردیف دوم قرار دارد. جالب اینکه بخاطر عظمت وحی اغلب با حرف اشاره «ذلک» بکار رفته است: کذلک او حینا الیک، ذلک یوحی الیک، فلذلک فادع...

۳. مثل: کتب علیکم الصیام، کتب علیکم القتال، کتب علیکم القصاص، کتب علیکم... الوصیه و...

۴. که در آیات دیگری مثل آیات ۱۴-۱۵-۱۷-۵۲ هم به آن اشاره شده است

۵. راه های فرعی آبی را هم که برود خانه اصلی منتهی می شود «شریعه» می گویند. در واقع دین که یکی بیش نیست همان رودخانه است و آئین پیامبران شریعه.

۶. آیه ۱۳ (و شرع لکم من الدین...) و آیه ۲۱ (ام لهم شرکوا شرعوا لهم من الدین...).

آیه (۱۰) و ما اختلفتم فيه من شيء فحكمه الي الله...

و به دنبال آن از اختلاف و تفرقه‌ای که میان علمای بنی اسرائیل بخاطر قدرت طلبی و انحصارگری متجاوزانه (بغی) آنها بوجود آمد و موجب پیدایش فرقه‌های گوناگون و سرگردانی پیروان و نسلهای بعدی گردید یاد می‌کند تا این حقیقت تصریح شده باشد که کتاب الهی به ذات خود عیبی نداشته اختلاف و ابهامی در آن نیست که موجب اختلاف پیروان گردد بلکه برتری جوئی طبقاتی (بغیاً بینهم) علمای دینی است که موجب تفرقه شده مردم را در شک و تردید نسبت به اصل کتاب قرار می‌دهد^۱:

آیه (۱۴) و ما تفرقوا الا من بعد ما جاءهم العلم بغياً بينهم... و ان الذين اوتوا الكتاب من بعدهم لفي شك منه مريب

این تجربه تاریخی در آستانه هجرت به مدینه که آغاز پیدایش مجتمع اسلامی است این اصل را برای نسلهای بعد اعلام می‌کند که میزان حق «کتاب» است نه اشخاص و رهبران و مدعیان علم و متولیان دین و مذهب.

دنیاطلبی

دوران پس از انقلاب و پیروزی، یا رهائی از چنگال ظالمین و مستکبرین، ابتلاء و آزمایش تازه‌ای برای انقلابیون و مبارزین یا مستضعفان و محرومین می‌باشد. آنطور که تاریخ نشان می‌دهد معمولاً نهضت‌های رهائی بخش پس از رسیدن به هدف و منظور اولیه متوقف یا منحرف شده، مستضعفان بجای مستکبران و مبارزین بجای ظالمین نشسته‌اند. صرفنظر از نمونه‌های فراوان تاریخی از نهضت‌های آزادیبخش تاریخ معاصر، سرگذشت قوم بنی اسرائیل پس از نجات از چنگال فرعون، شاهد مثال کاملی بشمار می‌رود. مسلمانان نیز مستثنی از این قانون نیستند. اکنون که به یاری الهی قرار است با هجرت به مدینه از ظلم و ستم ابوسفیانها آزاد گردند، باید هشدارهای لازم داده شوند و به همین دلیل می‌بینیم در فرازهایی از این سوره از دنیاطلبی برکنار می‌شوند.

آیه (۲۰) من كان يريد حرث الآخرة نزدله في حرثه و من كان يريد حرث الدنيا نوته منها و ما له في الآخرة من نصيب.

آیه (۳۶) فما اوتيتم من شيء فمتاع الحيوۃ الدنيا و ما عند الله خير و ابقى للذين آمنوا و

۱. سوره قبل (فصلت) نیز عیناً همین مطلب را بیان می‌کند: (آیه ۴۵) ولقد اتينا موسى الكتاب فاختلف فيه... انهم لفي شك منه مريب

علی ربهم یتوکلون.^۱

آیه (۴۸) ... و انا اذا اذقنا الانسان رحمة فرح بها و ان تصبهم سیئة بما قدمت ایدیهم فان الانسان کفور.

رزق الهی و الگوی مصرف

آنچه در رفاه طلبی و دنیاپرستی بیش از هر چیز مطرح است، گشایش و وسعت «رزق» و روزی می باشد و به همین دلیل در مقاطع مختلف این سوره به تناسب موضوع، مسئله «رزق» بندگان و پیوستگی آن به مشیت الهی مطرح گشته است:

آیه (۱۲) له مقالید السموات و الارض یسط الرزق لمن یشاء و یقدر انه بکل علیم.

آیه (۱۹) الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز.

آیه (۲۷) ولو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض و لکن ینزل بقدر ما یشاء انه بعباده خبیر بصیر.

در سه آیه فوق مسئله «رزق» بندگان در رابطه با مشیت الهی بیان شده است. از آنجائی که کلیدهای خزائن آسمانها و زمین در ید قدرت او است و به بندگان خویش لطیف است، رزق هر موجودی را تضمین کرده است. بنابر این حرص و طمع و دنیاطلبی از بدگمانی به خدا و ناباوری لطف او ناشی می شود. ثانیاً اندازه گذاری رزق را بر مصلحتی قرار داده که موجب طغیان و زیاده طلبی (بغی) بندگان نگردد. بنابر این اختلاف روزی نیز که (در حالت طبیعی و سالم) ناشی از اختلاف استعدادها و توانائیهای جسمی و فکری است خود موجب ایجاد حرکت و تلاشی سالم و سازنده در جامعه می گردد. دو حقیقت فوق، هم انسان را از حرص و طمع برای تأمین آینده بازمی دارد، و هم خصومت و دشمنی او را نسبت به کسانی که (در شرایط سالم اجتماعی) نسبت به او از رزق بیشتری برخوردارند به شکل و شیوه تضاد و تخاصم طبقاتی مارکسیسم بازمی دارد. چرا که بسط و قدر روزی به مشیت الهی وابسته است.

نکته جالب اینکه در انتهای هر سه آیه فوق نامی از نامهای نیکوی الهی ذکر شده است که فلسفه رزق را تبیین می نماید:

چون «علیم» بر نیازهای بندگان است روزی هر کس را بنا به مصلحتی گشایش می دهد یا اندازه می نماید.

۱. این آیه را مقایسه کنید با آیه ۹۵ سوره نحل (و حتی از ۹۰ تا ۹۷) که در سالهای ۲ و ۳ هجرت پس از بروز اختلافات نازل شده است.

چون «لطیف» بر بندگان است و صاحب «قوت» و «عزت» می باشد، به جزئی ترین و ظریف ترین نیازهای آنها توانائی (قوت) روزی رسانی دارد و هیچ نیروئی او را از اینکار مانع نمی شود.

و چون به بندگانش «خبیر و بصیر» است و مصلحت آنها را بهتر از خودشان تشخیص می دهد، حکمتی برای تنگی و گشایش روزی قرار داده است.

حال که رزق بندگان به دست خدا است و او روزی رسان همه موجودات است، در جامعه ایمانی نمونه ای که قرار است با نظام شورائی در مدینه ساخته شود، مؤمنینی که می خواهند متخلق به اخلاق الله شوند، باید از آنچه خدا به آنها روزی داده انفاق نمایند:

والذین استجابوا للربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم و مما رزقناهم ینفقون

نگرش به مسئله «الگوی مصرف» و شکل و شیوه گذران معیشت، تابع دیدگاهی است که نسبت به منشأ «رزق» و روزی انتخاب کرده ایم. آیات فوق مسلمانان آماده هجرت را از هم اکنون مسلح به بینش توحیدی در رابطه با اقتصاد و مالکیت و رزق و روزی می نماید.

سیاست «صبر و شکر»

گشایش و تنگی رزق (بسط و قدر) در مورد بندگانی که ایمان و توکل کافی ندارند متعجب به ستمگری و برتری جوئی (در صورت گشایش) یا ناامیدی و یأس (در صورت تنگی) می گردد در حالیکه مؤمنین واقعی در صورت برخورداری «شکر» نعمت بجای می آورند و در صورت تنگی و سختی «صبر» می کنند و می دانند زندگی چیزی جز تکرار و تناوب همین راحتی ها و ناراحتی ها نیست.

گاهی عملکرد خود انسانها، مثل استبداد و استثمار و استعلا، مصیبت های بزرگی بوجود می آورد (و ما اصابکم من مصیبة فیما کسبت ایدیکم...) و گاهی حوادث و اتفاقاتی مثل زلزله و سیل و امثالهم که در هر حال برای دفع آنها باید «صبر» کرد و مقاومت داشت. پس زندگی یا بر وفق مراد است که باید حداکثر بهره برداری را از شرایط و امکانات موجود در جهت هدف و مقصود نهائی نمود (معنای شکر) و یا برخلاف مراد است که باید تا حصول شرایط مناسب پایداری و مقاومت کرد (معنای صبر)

چه مثالی زیباتر از حرکت کشتی در دریا (به نیروی باد) می تواند این واقعیت را

مجسم نماید؟

حرکت کشتی‌های «کوه پیکر» در دریا، علیرغم حجم و وزن عظیمی که دارند، خود نشانه و آیه‌ای است (و من آیاته الجوار فی البحر کالاعلام)!... نیروی باد که به «مشیت الهی» همواره جریان دارد کشتی را به حرکت درمی‌آورد، اگر باد نمی‌وزید (مشیت الهی بر ارسال باد تعلق نمی‌گرفت) کشتی همچنان متوقف می‌ماند و اگر شدت وزش آن از حد می‌گذشت کشتی با همه عظمت‌اش با سرنشینان غرق می‌شد. پس تنها مؤثر در جریان کشتی (به عنوان مثال) «مشیت الهی» است که باد را به «اندازه» قرار داده است. خداوند از یک طرف نیروی باد را قرار داده و از طرف دیگر به انسان آموخته که چگونه با تغییر زاویه بادبان و گردش سکان، نیروی باد را، که چه بسا در خلاف جهت می‌وزد، تجزیه کرده مؤلفه آنرا به خدمت خود درآورد. اگر باد موافق وزید باید بسرعت بسوی هدف از این نیرو استفاده کند (معنای شکر) و اگر باد مخالف وزید، بجای توقف و عقبگرد «صبر» نماید.^۱

«رزق» برای انسان نیز همانند «باد» برای کشتی است. همچنانکه تاکنون هیچ کشتی بادی بدلیل فقدان باد در دریا معطل نمانده، هیچ بشری بدلیل فقدان «رزق» نباید در دریای زندگی بیکار و عاطل بماند، خداوند رزق هرکسی را مقدر کرده است. اگر کشتی بان نتواند با تنظیم بادبان از نیروی باد استفاده کند و متوقف بماند، بی‌لیاقتی خود او است و کسی مقصر نیست.

آیا در این حقیقت که اگر باد نمی‌وزید کشتی متوقف می‌شد، برای کسانی که به مفهوم واقعی صبر و شکر آگاهی یافته و از این دو نیرو مستمراً در زندگی استفاده می‌کنند نشانه‌های فراوانی وجود ندارد؟... «ان فی ذلک لآیات لکل صبار شکور» پس مصیبتِ عقب ماندن یا غرق شدن کشتی ناشی از عملکرد ناخدای کشتی است و گرنه خداوند عالم راه پیشروی و رسیدن به ساحل را برای همه بیان کرده است (و ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم...) و اگر استثمار و محرومیت و اختلاف طبقاتی وجود دارد گناهِش به گردن ناخدایان و سرنشینان کشتی اجتماع است.

مختصات جامعه ایمانی

آیات ۳۶ تا ۴۴ این سوره که مجموعه‌ای مرتبط و منسجم را تشکیل می‌دهد (و نام «شوری» نیز از متن همین آیات که شاید شامل مهمترین پیام‌های سوره باشد استخراج شده)

۱. حرکت در جهت خلاف باد را که بازو به ۲۲ درجه انجام می‌شود در اصطلاح ملوانان «بیدوینده» (بادشکن) می‌گویند.

مختصات جامعه نمونه‌ای را که قرار است در مدینه تشکیل شود، به عنوان دستورالعملی در

۱۰ بند نصب العین مهاجران مؤمن و متوکل می‌نماید:

آیه (۳۶) فما اوتیتم من شیء فمتاع الحیوه الدنیا و ما عندالله خیر و ابقی:

① ایمان	للدین آمنوا
② توکل	و علی ربهم یتوکلون
③ اجتناب از گناه	والذین یجتنبون کبائر الاثم والفواحش
④ تسلط بر نفس	و اذا ما غضبوا هم یغفرون
⑤ اجابت پروردگار	والذین استجابوا لربهم
⑥ اقامه صلوة	واقاموا الصلوة
⑦ شورای در امور	و امرهم شوری بینهم
⑧ انفاق از روزی	ومما رزقناهم ینفقون
⑨ انتصار و یاری	والذین اذا اصابهم البغی هم ینتصرون
⑩ صبر و بخشش	و لمن صبر و غفران ذلک لمن عزم الامور

در برابر کسانی که دنبال «متاع زندگی دنیا» هستند ارزش‌ها و بهره‌های بهتر و باقی‌تری ارائه می‌شود تا شاید با انجام کارهایی که فهرست وار ذکر می‌گردد، نائل به آنچه نزد خدا است گردند. بیشتر این شرایط که در ابتدای فهرست به چشم می‌خورد، جنبه فردی دارد و وظیفه انسان را در برابر پروردگار خویش نشان می‌دهد. مثل: ایمان، توکل، اجتناب از گناه، تسلط بر نفس هنگام غضب، اجابت دعوت پروردگار و اقامه صلوة. اما چهاربند آخر وظیفه او را در برابر جامعه نشان می‌دهد: انجام امور به شکل شورائی، انفاق از روزی‌ها، یاری جوئی از یکدیگر به هنگام ستم (همیاری اجتماعی) و خویشتن‌داری در برابر ناملایمات رفتاری دیگران و بخشش آنها.

ردیف آخر از آنجائی که بسیار سخت است، و رسیدن به آن مستلزم داشتن صبوری نیرومند و بهره‌ای عظیم از اراده و ایمان می‌باشد^۱، با شرح و بسط و مقدمه‌ای بیان شده است. قبل از بیان این خصلت، بدنبال ردیف نهم که از «همیاری اجتماعی» به هنگام اصابت ستم (و اذا اصابهم البغی هم ینتصرون) سخن می‌گوید، قصاص و مقابله به مثل را برای کسانی که توانائی تسلط بر نفس و کنترل خوی انتقام و ستیزه‌گری را ندارند مجاز

۱. مراجعه به سوره قبل (فصلت) آیه ۳۵ (و ما یلقیها الا الذین صبروا و ما یلقیها الا ذو حظ عظیم).

می شمارد و البته عفو و آشتی را بخاطر اجر الهی که بدنبال دارد منزلتی عالیتر می بخشد (و جزا و سیئه سیئه مثلها فمن عفی و اصلح فاجره علی الله ان الله لایحب الظالمین). بنابراین چون دفاع و مقابله بمثل برای افراد عادی مجاز شمرده شده، بر کسی که مورد ستم قرار گرفته اعتراضی نیست که چرا از دیگران طلب یاری می کند و نیرو فراهم می نماید (و لمن انتصر بعد ظلمه فالولک ما علیهم من سبیل)، بلکه اعتراض باید بر کسانی باشد که به مردم ظلم می کنند و در زمین (مملکت) به ناحق برتری جوئی می نمایند (انما السبیل علی الذین یظلمون الناس و یتغون فی الارض بغير الحق اولئک لهم عذاب الیم). و به دنبال این مقدمات است که از صاحبان اراده در برخورد با ناملایماتی که در جامعه اسلامی و در چارچوب نظام اسلامی از ناحیه ظالمان سر می زند یاد می کند (و لمن صبر و غفر ان ذلک لمن عزم الامور).

سعه صدر و وسعت نظر در رابطه با اهل کتاب

آیات ۱۳ تا ۱۷ این سوره که با آیه (شرع لکم من الدین ما وصی به نوحاً...) آغاز گشته و مجموعه مستقل و مرتبطی را تشکیل می دهد، حاوی پیام بسیار مهمی است به مسلمانانی که پس از هجرت از مکه، با یهودیان حاشیه مدینه آشنا خواهند شد و بتدریج ارتباطات نزدیکی با مسیحیان همسایه پیدا خواهند کرد. اگر در مکه با قریش و کفار بت پرست درگیر بودند، در آینده با اهل کتاب که مدعی امت انحصاری خدا و احبّاء و اولیاء ویژه او هستند، روبرو خواهند شد. از آنجائی که انسان ذاتاً خودخواه و خودبین است، بخاطر آنکه مبادا برخی از تازه مسلمانان، همانطور که یهودیان خود را برتر می شمردند، در مقام عکس العمل برآمده و تعصبات قومی و دینی بخرج دهند، در همین آستانه هجرت، پیش گیری کرده هشدارهای لازم را می دهد:

همه شما مثل شاگردان یک مدرسه هستید که معلمین مختلفی (بر حسب سن و سال تحصیلی) دارید، همانطور که بین شاگردان کلاسهای مختلف، بخاطر معلمین مختلف رقابت و حسادتی نیست، میان پیروان انبیاء مختلف نیز اختلافی نباید باشد. دین یکی بیش نیست^۱ اما شریعت ها مختلف هستند^۲. ما از آن دین واحد همچنانکه برای تو راهی گشودیم، شریعه و شعبه ای برای نوح، ابراهیم، موسی و عیسی نیز گشوده بودیم. بنابراین

۱. ان الدین عند الله الاسلام - فقط یک دین که همان تسلیم کامل به خداست (اسلام) وجود دارد. آنچنان که ابراهیم

(ع) و موسی (ع) و عیسی (ع) مسلمان بودند

۲. شریعه یعنی نهر و راه آبی که از رودخانه اصلی منشعب می شود. دین مثل رودخانه یکی است اما شریعت مانند راههای آبی متفاوت است.

وظیفه همه بندگان اقامه همان دین واحد و عدم تفرقه از آن است. این دستور خدا است به پیامبر آخرالزمان. و البته مشرکین یعنی همانهایی که با تثلیث و اتخاذ احبار و رهبان به عنوان ارباب و یا ادعای فرزند خدا بودن عیسی (ع) یا «عزیر» از توحید منحرف شدند، وحدت و ائتلاف با مسلمانان را گران خواهند شمرد و نخواهند پذیرفت همان خدائی که موسی (ع) و عیسی (ع) را برانگیخته این بار محمد (ص) را برانگیخته (مضمون آیه ۱۳)

پیامبر باید بداند علت پریشانی و دربدری و تفرقه و صدفرقه شدن بنی اسرائیل بدلیل خوی انحصارطلبی و ستمگری (بغی) علمای دینی آنها می باشد که علیرغم علم و آشنائی شان به تورات، راه خودپرستی درپیش گرفتند. بنابراین با اتکاء به این تجربه باید راه وحدت و توحید را درپیش گیرد و آنچه آنکه فرمان داده شده، بی اعتنای به نظریات آنها پیش برود و اعلام نماید که من علیرغم انکار شما به قرآن، به همه کتب الهی ایمان دارم و مأمور اجرای عدالت در میان همه انسانها (نه منحصراً مسلمانان) هستم. پروردگار همه ما یکی است و هر کدام مسئول کار خویش هستیم. بنابراین دلیلی برای حسادت و رقابت و برتری قومی و نژادی و دینی و ... وجود ندارد. چرا که سرانجام خداوند همه ما را در روز حساب جمع خواهد کرد و داوری خواهد نمود زیرا همه چیز در حرکت نهائی به او منتهی می شود (مضمون آیات ۱۵ و ۱۶)

با مقدمات فوق، وقتی همه امت ها عنوان شاگردان کلاسهای مختلف و متعلق به یک مدرسه را پیدا کنند، دیگر اختلاف و دعوی شاگردان کلاس های مختلف قابل توجیه نیست. اگر بتوان برای دعوی با یک غریبه محملی پیدا کرد، بهانه و توجیه دو نفر هم مدرسه برای نزاع و درگیری پس از آنکه با مقررات مدرسه آشنا شده اند، نزد مدیر مدرسه مسموع و مقبول نخواهد بود. بنابراین این بی دلیل نیست که در پایان این بخش تصریح می کند: «حجت چنین اشخاصی نزد خدا باطل و بی ارزش خواهد بود»

جهان بینی توحیدی

عملکرد هر انسان تابع نگرشی است که به جهان هستی و نظام حاکم بر آن دارد. بنابراین این اگر خواسته باشیم رفتار کسی را اصلاح کنیم مقدماً باید بینش او را نسبت به مسئله مورد نظر اصلاح نمائیم. اکنون که پیشتازان مسلمان باید جامعه نمونه ای را در مدینه بنا سازند و امت شاهد و واسطی برای عالمیان گردند، بیش از هر چیز به آموزشهای اعتقادی و تعلیمات زیربنائی توحیدی نیاز دارند تا همچون امتهای پیشین در لغزشگاه شرک و ناخالصی سقوط نکنند. در این رابطه در سوره شوری برخی موضوعات اساسی همچون:

مالکیت، مشیت، ولایت، عبادت، اجابت و ... بطور کاملاً چشمگیری مطرح گشته و مشتقات هریک از کلمات فوق بیش از سایر سوره‌ها یا در ردیف بالاترین آنها قرار گرفته است. ذیلاً آیات مربوط به هر موضوع را نقل نموده مختصر توضیحی بر آن می‌دهیم.

الف - مالکیت بر هستی

اولین اصل توحیدی که در همان آغاز سوره (پس از حروف مقطعه و اشاره به جریان وحی) به عنوان پیشدرآمد سوره و خلاصه و عصاره آن مطرح می‌شود و مجدداً در آخرین آیه به عنوان نتیجه‌گیری و جمع‌بندی نهائی بر آن تأکید می‌نماید، انحصار مالکیت زمین و آسمان برای خدا است:

در مقدمه سوره: له ما فی السموات و ما فی الارض و هو العلی العظیم
در انتهای سوره: صراط الله الذی له ما فی السموات و ما فی الارض الا الی الله تصیر الامور
و در متن سوره ۵ بار دیگر جمله «سموات و الارض» (جهان هستی) تکرار می‌گردد^۱ و هر بار نقشی در این رابطه به خدا نسبت داده می‌شود.
آیه (۱۱) فاطر السموات و الارض، آیه (۱۲) له مقالید السموات و الارض، آیه (۲۹) و من آیاته خلق السموات و الارض، آیه (۴۹) لله ملک السموات و الارض.
اعتقاد به مالکیت جهانشمول الهی و ربوبیت و تدبیر دائمی او زیربنای بقیه مسائل توحیدی سوره می‌باشد.

ب - مشیت

آیه (۸) و لو شاء الله لجعلهم امة واحدة و لكن یدخل من یشاء فی رحمته
(مشیت تفاوت قائل شدن در سرنوشت بندگان بر حسب عملکرد)
آیه (۱۲) له مقالید السموات و الارض یسط الرزق لمن یشاء و یقدر
(مشیت گشایش و تنگی روزی)

آیه (۱۳) .. الله یجتبی الیه من یشاء و یشهی الیه من ینیب

(مشیت گزینش و بسوی خود جهت دادن بندگان)
آیه (۱۹) الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز. (مشیت روزی‌رسانی به بندگان)
آیه (۲۴) ام یقولون افتری علی الله کذبا فان یشاء الله یختم علی قلبک... (مشیت ختم بر قلوب)

۱. در این سوره ۷ بار کلمه سموات و ارض تکرار شده که پس از سوره بقره و آل عمران (هر کدام ۹ بار) و انعام (۸ بار) در ردیف چهارم قرار دارد. البته اگر حجم سوره بقره را که حدود ۷ برابر و سوره آل عمران را که حدود ۴ برابر سوره شوری است در نظر بگیریم به اهمیت نسبی این سوره پی می‌بریم.

آیه (۲۷) ولو بسط الله الرزق لعباده لبغوا في الارض و لكن ينزل بقدر ما يشاء

(مشیت نزول روزی باندازه)

آیه (۲۹) و بث فيهما من دابة و هو على جمعهم اذا يشاء قدير

(مشیت جمع آوری موجودات در قیامت)

آیه (۳۳) ان يشأ يسكن الريح فيظللن رواكد على ظهره

(مشیت ارسال بادها)

آیه (۴۹) يخلق ما يشاء يهب لمن يشاء اناثا ويهب لمن يشاء الذكور.

(مشیت خلقت موجودات و نرو ماده آفریدن آنها)

آیه (۵۰) اويزوجهن ذكرانا و اناثا و يجعل من يشاء عقيماً

(مشیت تناسل و عقیم ماندن)

آیه (۵۱) او يرسل رسولا فيوحى باذنه ما يشاء انه على حكيم. (مشیت وحی به رسولان)

آیه (۵۲) ... و لكن جعلناه نوراً نهدى به من يشاء من عبادنا... (مشیت هدایت بندگان)

در این سوره فعل «یشاء» (منتسب به خدا) ۱۱ بار بکار رفته است که این رقم پس از سوره بقره (۱۲ بار) از بقیه سوره‌های قرآن بیشتر است^۱. و فور چشمگیر و بی نظیر این کلمه در این سوره، که در مجموعه افعالش ۱۵ بار بکار رفته است، اهمیت کلیدی مسئله «مشیت الهی» را در رابطه با مفاهیم سوره و جهان بینی توحیدی ناشی از آن نشان می دهد. مشیت همان خواست خدا است که بصورت قوانین و نظاماتی در ناموس طبیعت جریان داشته مقدم بر اراده، قضا، قدر، اذن، کتاب و اجل قرار می گیرد.^۲

این مشیت که همان نظامات و قوانین حاکم بر هستی است، جلوه‌های مختلفی دارد که به برخی از آنها به ترتیب ذیل اشاره شده است:

(۱) مشیت خدا در اختیار و مهلت دادن به بندگان و عدم یکسانی آنها

(۲) مشیت او در گشایش رزق یا اندازه گذاری آن (سه بار با اشکال مختلف تکرار شده است).

(۳) مشیت او در گزینش رسولان و جهت دادن به استعدادهاى آنها (اجتباء).

۱. باتوجه به حجم بیشتر سوره بقره (۷ برابر شوری) این رقم چشمگیرتر می شود.

۲. مطابق حدیثی از امام صادق (ع) هیچ چیز در جهان خارج از دائره این هفت موضوع نمی باشد:

لا يكون شيء في الارض ولا في السماء الا بهذه الخصال السبع، بمشيئة و ارادة و قدر و قضاء و اذن و كتاب و اجل فمن زعم انه يقدر على نقض واحدة فقد كفر

مشیت، خواست خدا است که به صورت قوانین و نظاماتی در عالم هستی جریان دارد، «اراده» بکار انداختن نظامات فوق است. «قدر» اندازه و مقیاس و هندسه هر پدیده است «قضاء» زمان جاری ساختن نظامات فوق به ملائکه است و «اذن» رخصت داشتن در کاربرد و استفاده از نظامات است و «کتاب» نقشه و برنامه هائی است که بر طبق آن باید عمل شود و اجل پایان عمر هر پدیده می باشد (پاورقی صفحه ۵۶ کتاب گزیده کافی)

جالب اینکه در سوره شوری هر ۷ مفهوم فوق بکار رفته است. مشیت (آیه ۱۵) اراده (آیه ۲۰)، قدر (۱۲ و ۲۷)، قضا (۱۴ و ۲۱)، اذن (۲۱ و ۲۱) کتاب (۵۱-۲۱-۱۷-۱۵-۱۴)، اجل (۱۴).

- (۴) مشیت او در جلوگیری از خیانت در ابلاغ کلامش.
- (۵) مشیت او در جمع کردن بندگان در روز قیامت.
- (۶) مشیت او در جریان بادها.
- (۷) مشیت او در خلقت و نرو ماده آفریدن.
- (۸) مشیت او در پسر و دختر بخشیدن یا عقیم ساختن.
- (۹) مشیت او در وحی به رسولان.
- (۱۰) مشیت او در هدایت بندگان.

علاوه بر «مشیت»، ۲ بار هم بر «قضا»ی الهی در سوره شوری اشاره شده است که در چهارچوب جهان بینی توحیدی مورد تأکید سوره قرار دارد. معنای «قضا» فرمان جاری ساختن مشیت خدا، که همان قوانین و نظامات حاکم بر جهان است، به فرشتگان می باشد. یکی از مشیت های خدا همان اختیار و مهلت دادن به بندگان در مدت زندگی دنیا می باشد و اگر چنین مشیتی وجود نداشت کسانی که مرتکب ظلم و ستم می شدند بلافاصله قضای الهی جاری می گشت و گرفتار عواقب اعمالشان می شدند:

آیه (۱۴) و ما تفرقوا الا من بعد ما جائهم العلم بغیا بینهم و لولا کلمة سبقت من ربک الی اجل مسمی لقضی بینهم...

آیه (۲۱) ام لهم شرکوا شرعوا لهم من الدین ما لم یأذن به الله و لولا کلمة الفصل لقضی بینهم وان الظالمین لهم عذاب الیم.

ج- ولایت

از جمله موضوعات کلیدی که در رابطه با «جهان بینی توحیدی» (محور و زیربنای سوره) مورد توجه قرار گرفته، موضوع «ولایت» الهی می باشد که از نظر آماری نیز همچون مشیت در صدر سوره های قرآن قرار دارد.^۱

توجه به «ولایت الهی» در چارچوب بیئت توحیدی، برای کسانی که قرار است بزودی در مدینه صاحب ولایت و حکومت شوند، معنا و مفهومی ویژه دارد. در ضمن تأکید بر اینکه همه چیز تحت ولایت الهی قرار دارد و انسان حق ندارد تحت ولایت بندگان دیگر قرار گیرد، اشاره ای است بیدارکننده به توده عوام الناسی که از ترس پیش آمدهای روزگار، به دامان سردمداران قریش پناه برده و به امید یاری آنها سیاهی لشکرشان می شدند.

۱. کلمه «ولی» ۵ بار در سوره شوری تکرار شده که بیش از سایر سوره ها می باشد (البته فقط در همین هیئت نه در مجموع مشتقات) کلمه «ولیا» در سوره نساء ۶ بار بکار رفته است.

ذیلاً آیاتی را که در آنها کلمه «ولی» یا «اولیاء» بکار رفته برای عطف توجه و تدبیر و تعمق نقل می‌نمائیم:

آیه (۶) والذین اتخذوا من دونه اولیاء الله حفیظ علیهم و ما انت علیهم بوکیل
 آیه (۸) و لو شاء الله لجعلهم امة واحدة... والظالمون ما لهم من ولی ولا نصیر
 آیه (۹) ام اتخذوا من دونه اولیاء فالله هو الولی و هو یحیی الموتی و هو علی کل شی
 قدیر.

آیه (۲۸) و هو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنظوا و ینشر رحمته و هو الولی الحمید
 آیه (۳۱) ... و ما لکم من دون الله من ولی ولا نصیر.
 آیه (۴۴) و من یضلل الله فما له من ولی من بعده و ترى الظالمین...

آیه (۴۶) و ما کان لهم من اولیاء ینصرونهم من دون الله و من یضلل الله فما له من سبیل
 همانطور که مشاهده می‌شود بجز آیه (۲۸)، بقیه آیات از جهت منفی اتخاذ ولایت
 غیر خدا را که مسئله اصلی کفار و مشرکین بوده است مورد انتقاد قرار می‌دهد. گمراهانی
 که اطراف ابوسفیانها را گرفته بودند، بخاطر تکیه بر قدرت و نصرت آنها، ولایتشان را
 پذیرفته بودند. درحالیکه به استدلال آیه (۲۸) منحصرأ خداوند که باران مژده دهنده را نازل
 می‌کند و سایه‌های رحمتش را بر بندگان می‌گستراند، لایق ولایت است (نه ظالمین
 استثمارگر) و یا به استدلال آیه (۹) از آنجائی که منحصرأ خدا حیات بخش موجودات و قادر
 بر هر چیزی است ولایت دارد.

د - صیوروت

آخرین کلام این سوره بیان «صیوروت» هر چیز بسوی خدا است (الا الی الله تصیر
 الامور). در متن سوره نیز در آیه (۱۵) همین معنا را مشاهده می‌کنیم (الله یجمع بیننا و
 بینکم و الیه المصیر).

معنای صیوروت را در جملاتی مانند: الی الله المصیر، رجعت و بازگشت بسوی خدا
 ترجمه کرده‌اند. درحالیکه اگر چنین بود بجای کلمه «مصیر» کلمات معاد، مرجع، مقصد و
 غیره بکار می‌رفت. مصیر هر چیزی «شدن» و تحول یافتن آن و به عبارتی حرکت نهائی هر
 پدیده می‌باشد. وقتی گفته می‌شود «الی الله تصیر الامور» یا «الیه المصیر» این است که امور و
 اشیاء در حرکت خود نهایتاً راهی جز بسوی خدا ندارند و از ملک و مشیت او خارج نیستند.
 در جهان بینی توحیدی مورد تأکید سوره، کلمه صیوروت در کنار کلمات: مشیت و
 ولایت و قضا و... مجموعه‌ای را تشکیل داده که توحید را در تمامی ابعاد آن تبیین می‌نماید.

اختیار و آزادی انسان

از جمله رهنمودهای مهمی که در رابطه با استقرار حکومت اسلامی در مدینه داده می شود؛ موضوع اختیار و آزادی انسان ها و تبیین فلسفه «امهال و املاء» یعنی مهلت کافی و میدان عمل لازم دادن به انسان در مدت زندگی دنیا به منظور آزمایش و ابتلاء می باشد.

به این ترتیب برای اکراه و اجبار جایی باقی نمی ماند و مأموریت رسول اکرم در ابلاغ رسالت منحصر می گردد. در اینصورت هیچکس (حتی رسول اکرم (ص)) مجاز به حفاظت یا وکالت نسبت به بندگان نمی باشد و کار هر کس به خدا سپرده می گردد:

آیه (۶) والذین اتخذوا من دونه اولیاء الله حفیظ علیهم و ما انت علیهم بوکیل

آیه (۴۸) فان اعرضوا فما ارسلناک علیهم حفیظا ان علیک الا البلاغ.

از آنجائی که ممکن است آزاد گذاشتن بندگان برای ارتکاب معاصی، بزعم کسانی که اطلاع کافی از مشیت حکیمانه الهی در این کار ندارند، غفلت خداوند یا نوعی ضعف و خلل در نظام هستی بشمار آید، توضیح می دهد که البته اگر حکمت «مهلت و مدت» بخاطر ابتلاء و امتحان انسان وضع نشده بود، آثار و عواقب هر گناه و عصیانی بمجرد ارتکاب آن، با «قضای الهی» دامنگیر عامل آن می شد.

ولی خداوند کلمه (عامل و قانون مؤثری) را قرار داده که این «قضا» را تا اجل معینی که پایان عمر دنیائی می باشد (کلمة الفصل) به تأخیر می اندازد:

آیه (۱۴) و ما تفرقوا الامن بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم و لولا کلمه سبقت من ربک الی اجل مسمی لفضی بینهم...

آیه (۲۱) ام لهم شرکوا شرعوا لهم من الدین ما لم یأذن به الله و لولا کلمة الفصل لفضی

بینهم...

استجابات

در این سوره ۴ بار موضوع «استجابات» مطرح شده که بیش از بقیه سوره های قرآن می باشد. بنابر این بدلیل توجه و تمرکز خاصی که روی این کلمه شده است جا دارد تأملی در آن بنمائیم. ذیلاً موارد مورد نظر را نقل می کنیم:

آیه (۱۶) والذین یحاجون فی الله من بعد ما استجیب له حجتهم داخضة عند ربهم...

آیه (۲۶) و یتستجیب الذین آمنوا و عملوا الصالحات و یزیدهم من فضله. ینفقون

آیه (۳۸) والذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم و ممارزقناهم

آیه (۴۷) استجیبوا لربکم من قبل ان یأتی یوم لا مرد له من الله...

معنای لغوی «جاب» برداشتن فاصله بین دو چیز و ارتباط پیدا کردن آنهاست و به همین دلیل پاسخ مثبت دادن به دعوت را از آنجائی که فاصله داعی و مدعو را برمی دارد و به یکدیگر می رسند «اجابت» می گویند. استجابت (در بال استفعال)، آمادگی این کار و تمایل و درخواست آنرا می رساند. بنابراین اگر در بنده آمادگی حرکت بسوی خدا و تمایل به اجابت دعوت او بوجود بیاید، خداوند نیز آماده اجابت درخواست او می گردد. و به همین دلیل است که در آیات فوق «استجابت»، هم به خدا نسبت داده شده و هم نسبت به بنده، کما آنکه توبه نیز چنین است. خداوند توباب است یعنی در صورت بازگشت بنده گناهکار بدرگاهش، او نیز بازگشت توأم بامغفرت و رحمت به بنده می نماید.

آخرت

گرچه محور اصلی سوره، توحید و مباحث مربوط به این امر همچون: وحی، مشیت، ولایت، رزق، مالکیت و غیره است، اما موضوع آخرت و قیامت نیز که در اغلب سوره های قرآن پایه ای ثابت دارد، فراموش نشده است. در هر حال از مبانی اصولی که جامعه ایمانی مدینه باید در نظر داشته باشد، مسئله اعتقاد به آخرت می باشد. ذیلاً اشاراتی را که به این امر شده یادآور می شویم:

آیه (۱۷) الله الذی انزل الکتاب بالحق والمیزان و ما یدریک لعل الساعة قریب
 آیه (۱۸) یتسرعجل بها الذین لایؤمنون به... ان الذین یمارون فی الساعة لفی
 ضلال بعید

آخرت آیه (۲۰) من کان یرید حرث الاخرة نزذله فی حرثه و من کان یرید حرث
 الدنیا نؤته منها و ما له فی الاخرة من نصیب

آیه (۷) و کذلک اوحینا الیک قرآناً عربیاً لتنذرام القرى و من حولها و تنذر
 یوم الجمع لاریب فیه فریق فی الجنة و فریق فی السعیر
 آیه (۲۹) ... و هو علی جمعهم اذا یشاء قدیر.
 آیه (۱۵) ... الله یجمع بیننا و الیه المصیر

قیامت آیه (۴۵) ... و قال الذین آمنوا ان الخاسرین الذین خسروا انفسهم و اهلیهم یوم
 القیمه...

علاوه بر آیات فوق که به اسامی مختلف، حیات پس از دنیا را مطرح می سازد، در آیات دیگری نیز از جمله آیات ۲۲ و ۲۳ و ۴۴ تا ۴۷ بشارتهائی به بهشتی که برای مؤمنین شایسته کار فراهم ساخته، و تهدیداتی درباره آتشی که برای ظالمین مهیا گشته، می نماید بطوریکه ۶ بار به عذابی که در انتظار منحرفان است هشدار می دهد:

آیه (۱۶) والذین یحاجون فی الله... وعلیهم غضب و لهم عذاب شدید
 آیه (۲۱) ... و ان الظالمین لهم عذاب الیم
 آیه (۲۶) ... و الکافرون لهم عذاب شدید
 آیه (۴۲) انما السبیل علی الذین یظلمون الناس... اولئک لهم عذاب الیم.
 آیه (۴۴) ... و ترى الظالمین لما راوا العذاب هل الی مرد من سبیل
 آیه (۴۵) ... الا ان الظالمین فی عذاب مقیم.

عملکرد

همانطور که ملاحظه می شود ۴ مورد از تهدیدات فوق متوجه «ظالمین» است که به عذاب الیم و مقیم گرفتار خواهند شد. در مقابل این گروه ستمگر مؤمنین شایسته کاری معرفی شده اند که نائل به بهشت و بشارت الهی خواهند گشت.

آیه (۲۲) ... والذین آمنوا و عملوا الصالحات فی روضات الجنات لهم ما یشاؤون عند ربهم ذلک هو الفضل الکبیر.

آیه (۲۳) ذلک الذی ینشر الله عباده الذین آمنوا و عملوا الصالحات...

آیه (۲۶) و یتستجیب الذین آمنوا و عملوا الصالحات و یزیدهم من فضله...

و از مهمترین اعمال صالحی که در نتیجه ایمان بروز می کند خودداری از انتقام و مقابله

بمثل و عفو و آشتی کردن است:

آیه (۴۰) و جزاؤا سیئه مثلها فمن عفا و اصلح فاجرہ علی الله...

به این ترتیب آشکار می گردد دو فرقه ای که در آیه (۷) بر حسب عملکردشان در برابر انذار رسول، وعده بهشت و جهنم داده شده اند (فریق فی الجنة و فریق فی السعیر)، فرقه اول مؤمنین شایسته کار و فرقه دوم ظالمین می باشند. به این ترتیب آنچه در مجتمع اسلامی آینده در مدینه باید از آن در روابط اجتماعی احتراز کرد، «ظلم» است و آنچه توصیه شده ایمان و عمل صالح (صلح و آشتی و گذشت و برادری) می باشد.

و شگفت این که نه تنها گروه «ظالمین» و «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» در تقابل با یکدیگر قرار گرفته اند، بلکه عمده آیات مربوط به «ظالمین» در این سوره در بخشی قرار گرفته است که خصیلت های شهروندان «مدینه النبوی» را بترتیب ذکر می نماید^۱

۱. نکته ظریف و جالب توجهی که در آیات انتهائی این بخش وجود دارد، ترکیب دو کلمه ظلم و سبیل می باشد که ۴ بار تکرار شده است:

(۴۱) و لمن انتصر بعد ظلمه فالولئک ما علیهم من سبیل - (۴۲) انما السبیل علی الذین یظلمون الناس - (۴۴) و ترى الظالمین... هل الی مرد من سبیل (۴۶) و من یضلل الله فما له من سبیل.

آیه (۴۰) و جزاؤ اسیئہ سیئہ مثلها فمن عفا و اصلح فاجره علی الله انه لا یحب الظالمین. }
 آیه (۴۱) و لمن انتصر بعد ظلمه فاولئک ما علیهم من سبیل. }
 آیه (۴۲) انما السبیل علی الذین یظلمون الناس ... }
 آیه (۴۴) و ترى الظالمین لَمَا راوا العذاب یقولون هل الی مردّ من سبیل. }
 آیه (۴۵) ... الا ان الظالمین فی عذاب مقیم. }

اسماء الهی

در این سوره ۳۲ بار نام جلاله الله، ۱۰ بار نام رب (مضاف) و ۲۷ بار اسماء الحسنای دیگر بکار رفته است که بخصوص ۱۲ آیه ابتدای سوره و آیات ۱۹ تا ۲۹ مشحون از این اسماء می باشد. تعداد بسیار زیاد اسماء الحسنی در این سوره اهمیت آنرا از نظر تأکید روی مبانی توحیدی نشان می دهد. ذیلاً این اسماء را که شامل ۱۷ نام در ۲۷ مورد مکرر می باشد یادآور می شویم:

آیه (۳) عزیز الحکیم	آیه (۴) علی العظیم	آیه (۵) غفور الرحیم
آیه (۶) حفیظ	آیه (۹) ولی - قدیر.	آیه (۱۱) سمیع البصیر
آیه (۱۲) علیم	آیه (۱۹) لطیف - قوی العزیز	آیه (۲۳) غفور شکور
آیه (۲۴) علیم	آیه (۲۷) خبیر بصیر	آیه (۲۸) ولی الحمید
آیه (۲۹) قدیر	آیه (۵۰) علیم قدیر	آیه (۵۱) علی حکیم

۱۷ نام مورد نظر عبارتند از: علیم و قدیر (هر کدام ۳ بار)، عزیز، حکیم، علی، غفور، ولی، بصیر (هر کدام ۲ بار) عظیم، رحیم، حفیظ، سمیع، لطیف، قوی، شکور، خبیر و حمید (هر کدام یک بار)

آهنگ انتهائی آیات

سوره شوری از ۵۳ آیه تشکیل شده است که این آیات با ۹ حرف به شرح ذیل ختم

می شوند:

ر - ۲۰ آیه	ل - ۴ آیه (۳ مورد سبیل)
م - ۱۱ آیه	ب - ۵ آیه
ن - ۶ آیه	ز - ق - ص - هر کدام یک آیه (عزیز - عشق - محیص)

حروف مقطعه (حم - عسق)

سوره شوری تنها سوره‌ای است که دو نوع حروف مقطعه دارد و دو آیه اول آن به این حروف اختصاص یافته است (حم، عسق). این ترکیب که از ۵ حرف (ح - م - ع - س - ق) تشکیل شده بنظر می‌رسد همچون سوره‌های دیگر در ارتباط با مضامین و مقاصد سوره باشد و شاید هم تفصیل آن بدلیل تنوع مطالبی باشد که در آستانه هجرت لازم به یادآوری بوده است.

ابتدا مطالبی را که مفسر عالیقدر مرحوم علامه طباطبائی پیرامون همین حروف بیان کرده^۱ نقل می‌نمائیم آنگاه به درک و برداشت خود از آن می‌پردازیم^۲:

«... ممکن است آدمی حدس بزند که بین این حروف و مضامین سوره‌هایی که با این حروف آغاز شده ارتباط خاصی باشد... و ای بسا اگر اهل تحقیق در مشترکات این حروف دقت کنند و مضامین سوره‌هایی که بعضی از این حروف در ابتداءش آمده با یکدیگر مقایسه نمایند، رموز بیشتری برایشان کشف گردد. و ای بسا معنای آن روایتی هم که اهل سنت از علی (ع) نقل کرده‌اند همین باشد که: برای هر کتابی نقاط برجسته و چکیده‌ایست، و چکیده قرآن حروف الفباء است.»

در مورد دو حرف «حم» بهتر است پس از مطالعه سوره «احقاف» که هفتمین و آخرین سوره از مجموعه هفت سوره به هم پیوسته‌ای است که با حروف مقطعه «حم» آغاز شده‌اند اظهار نظر نمائیم. فعلاً در همین حد اکتفا می‌کنیم که این هفت سوره در مشتقات دو کلمه حکمت و رحمت (که هر دو دارای حروف ح و م هستند) اشتراک دارند^۳ و بنظر می‌رسد تبیین اشکال مختلف حکمت و رحمت الهی موضوع مشترک آنها باشد. و اما در مورد سه حرف: ع - س - ق مطالب ذیل را می‌توان مطرح کرد:

حرف «ع» - تنها در حروف مقطعه دو سوره مریم و شوری می‌توان حرف «ع» را مشاهده کرد. در این دو سوره کلمات مشترکی که از حرف «ع» تشکیل شده باشند، قابل مشاهده‌اند مثل: عذاب، جعل، علم، عمل، عند، علی و غیره... اما تنها مشتقات کلمه «عبادت» است که در مجموع دو سوره به نسبت بالاتری از بقیه کلمات متشکل از حرف «ع» به کار رفته است.

۱. المیزان - جلد ۳۵ - صفحات ۱۴ و ۱۵

۲. لازم به یادآوری است که در تفسیر المیزان به نقل از مجمع البیان طبرسی ۱۱ قول را در باره معنای حروف مقطعه ذکر کرده است.

۳. و اشتراک دیگری هم که شامل این دو حرف باشد ندارند.

بطوریکه در سوره شوری ۶ بار و در سوره مریم ۹ بار مشتقات این کلمه تکرار شده است.^۱ (البته کلمه «جعل» هم که حرف دوم آن «ع» است در مجموع ۱۵ بار در دو سوره بکار رفته است)، کلمه عیسی نیز در هر دو سوره بکار رفته است. بطور کلی می توان گفت سیاق و محتوای هر دو سوره با مسئله «عبادت» هماهنگی دارد.

حرف «س» - حرف «س» همانطور که قبلاً بررسی کردیم در حروف مقطعه طس، طسم و یس که در افتتاح سوره های نمل و شعراء و قصص و یس آمده بکار رفته است. مضمون مشترک سوره های فوق موضوع مرسلین بطور کلی، و رسالت حضرت موسی و عیسی (علیهم السلام) بطور اخص برای قوم بنی اسرائیل می باشد. و در سوره شوری نیز به شکل جمله معترضه ای از آیات ۱۳ تا ۱۶ به جریان مرسلین و تجربه تاریخی اختلاف و تفرقه در کتاب الهی پرداخته است:

شرح لکم من الدین ما وصی به نوحاً والذی اوحینا الیک و ما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی ان اقیموا الدین...

در این سوره با توجه به اینکه محور اصلی آن وحی و کتاب است، به جریان مرسلین از زاویه کتابی که آوردند و اختلافی که وارثان کتاب بوجود آوردند پرداخته است:

آیه (۱۴)... و ان الذین اورثوا الکتاب من بعدهم لفی شک منه مریب.

آیه ۱۵ (... و قل امنتم بما انزل الله من کتاب...)

حرف «ق» - حرق «ق» منحصرأ در حروف مقطعه دو سوره «شوری» (۴۲) و «ق» (۵۰) بکار رفته است.^۲ اگر کلمات این دو سوره را با یکدیگر مقابله و مقایسه نمائیم، ملاحظه خواهیم کرد برخی کلمات مثل: حق، قال، رزق، خلق، قلب و فوق که حرف «ق» در آنها بکار رفته است در هر دو سوره تکرار شده اند.^۳ اما مهمتر از این کلمات، موضوع «قرآن» می باشد که محور اصلی هر دو سوره محسوب می گردد.

کلمه «قرآن» در اولین آیه (مقدمه و پیش درآمد) و آخرین آیه (خلاصه و جمع بندی)

۱. سوره شوری (عباده ۵ بار، عبادنا یکبار). سوره مریم (عباده، عبادنا، عبده، عبداً، اعبده، عبادته، عبادتهم، فاعبده، یعبدون).

۲. مطابق محاسبات دکتر رشاد خلیفه حرف «ق» در هر یک از دو سوره مورد نظر ۵۷ بار بکار رفته است که مجموع آن $۱۱۴ = ۵۷ + ۵۷$ مساوی تعداد سوره های قرآن است.

۳. مشترکات این دو سوره عبارتند از:

	حق	مشتقات	قال	رزق	خلق	قلب	فوق	
سوره «ق»	۴	۹	۱	۴	۲	۱		
سوره «شوری»	۵	۵	۳	۲	۱	۱		

سوره ق به شرح ذیل بکار رفته است:

اولین آیه: ق والقرآن المجید

آخرین آیه: نحن اعلم بما یقولون و ما انت علیهم بجبار فذکر بالقرآن من یخاف وعید.
و در سوره شوری نیز مقدمه و مؤخره آن پیرامون موضوع وحی است:
مقدمه: حم عسق - كذلك یوحی الیک و الی الذین من قبلک الله العزیز الحکیم
آیه ماقبل آخر: و كذلك اوحینا الیک روحاً من امرنا...

نه تنها کلمه وحی (که ۵ بار در سوره تکرار شده) بلکه کلمات قرآن، کتاب، میزان، نور و... که اسامی مختلف وحی نازل شده بر پیامبر (ص) هستند نیز در سوره شوری بکار رفته اند که تأکید این سوره را روی موضوع قرآن نشان می دهد. بطور کلی همانطور که قبلاً نیز گفته شد، موضوع کتاب (قرآن) اصلی ترین محور سوره شوری را تشکیل می دهد^۱.

تقسیمات سوره

سوره شوری را می توان باتوجه به مضامین آن به ۸ فصل به شرح ذیل تقسیم نمود:

- | | |
|-----------|--|
| فصل اوّل | (آیات ۱ تا ۶) معرفی وحی. در این فصل جریان وحی را در تاریخ به عنوان یک سنت پایدار الهی برای هدایت انسانها معرفی می نماید. |
| فصل دوّم | (آیات ۷ تا ۱۲) آثار و نتایج وحی. در این فصل هدف از وحی را که انذار مردم درباره توحید ربوبیت و انحصار ولایت و تدبیر برای خدا است بیان می کند. |
| فصل سوّم | (آیات ۱۳ تا ۱۶) تعمیم وحی. در این فصل سعه صدر و وسعت نظری به مسلمانان می دهد تا همه انبیاء و امت ها را بایک چشم بنگرند و همه را پیرو دین واحد بدانند |
| فصل چهارم | (آیات ۱۷ تا ۲۶) عملکرد انسانها در برابر وحی. در این فصل عکس العمل مردم و سرنوشت نهائی آنها را در روز قیامت نشان می دهد. |
| فصل پنجم | (آیات ۲۷ تا ۳۵) در این فصل توحید ربوبیت را در تدبیر رزق و حیات انسان و سایر موجودات نشان می دهد. |
| فصل ششم | (آیات ۳۶ تا ۴۳) ویژگیهای جامعه نمونه ایمانی - در این فصل مختصات جامعه ای را که باید در مدینه مستقر شود در ۱۰ بند توضیح |

۱. آیات ۳-۷-۱۰-۱۳-۱۴-۱۵-۱۷-۵۱-۵۲ سوره شوری که حدود ۱/۶ سوره را تشکیل می دهد بطور مستقیم یا غیر مستقیم در رابطه با قرآن می باشند.

می دهد.

فصل هفتم (آیات ۴۴ تا ۴۹) در این فصل به مسئله قیامت، اختیار انسان و مشیت

الهی در خلقت اشاره ای می کند.

فصل هشتم (آیات ۵۰ تا ۵۳) در این فصل مجدداً به مسئله وحی که در آغاز سوره

به آن اشاره شد برگشت می نماید و سوره را ختم می کند.